

ارزیابی عملکرد شهرهای میانی در تعادل جمعیت و اقتصاد منطقه‌ای (نمونه موردی: شهر فسا - استان فارس)

سعیدرضا اکبریان رونیزی^۱: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
مرتضی محمدپور جابری: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

عدم تعادل و نابرابری در نظام سکونتگاهی و لزوم دستیابی به توسعه و تعادل منطقه‌ای باعث توجه روزافزون به شهرهای میانی بعنوان یکی از راهبردهای جهانی شده است. اگرچه در متون توسعه منطقه‌ای بر نقش شهرهای میانی بعنوان نوشدارویی در راستای دستیابی به توسعه متعادل منطقه‌ای تأکید شده است، اما ضرورت دارد تا نقش و عملکرد این شهرها مورد ارزیابی دقیق‌تری قرار گیرد. از این رو پژوهش حاضر در پاسخ به این سؤال است که آیا فسا به عنوان شهر میانی توانسته نقش مؤثری در ایجاد تعادل جمعیت و اقتصاد منطقه‌ای فارس ایفا نماید؟ پژوهش از نوع کاربردی و روش انجام آن توصیفی-تحلیلی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های اسنادی و میدانی (تهیه پرسشنامه) و به منظور پردازش داده‌ها از تکنیک‌های تحلیل منطقه‌ای استفاده شده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که: شهر فسا توانسته در تعادل جمعیتی منطقه ایفای نقش نماید، بطوری‌که بدون وجود این شهر عدم تعادل افزایش می‌یابد. ارزیابی عملکرد اقتصادی بیانگر آنست که این شهر از نقش قوی خدماتی برخوردار بوده و می‌تواند در توسعه و تعادل اقتصاد استان ایفای نقش کند. همچنین بررسی الگوی مراجعات به این شهر نشان می‌دهد شهر فسا توانسته نقش مؤثری در زمینه تأمین نیازهای مختلف شهرستان‌های مجاور خود ایفا نماید. در مجموع نتایج این مطالعه نشان‌دهنده عملکرد مؤثر شهر فسا در تعادل منطقه است.

واژه‌های کلیدی: شهر میانی، تعادل منطقه‌ای، تعادل جمعیتی، اقتصاد منطقه، فسا.

^۱ نویسنده مسئول: akbarian@Shirazu.ac.ir ، ۰۹۱۲۵۸۵۴۲۴۵

بیان مسأله:

در کشورهای در حال توسعه، تمرکز شهری مشکلاتی مانند افزایش شتابان شهرنشینی، توزیع نامتعادل جمعیت، افزایش بیکاری، مهاجرت و مانند آنرا بدنبال داشته است (گلی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۵۵). در همین رابطه بر اساس دیدگاه‌های موجود، از عوامل مؤثر در مشکلات ناشی از شهرنشینی، کم توجهی به آثار فضایی خط و مشی‌های اقتصادی در کشورهاست. بطوری‌که عدم ارتباط منطقی بین توزیع و تخصیص سرمایه‌گذاری‌ها با عامل مکان و فضا از یک طرف و توزیع منابع به صورت بخشی از سوی دیگر، آثار فضایی ناخواسته‌ای را در پی داشته که از آن جمله می‌توان به عدم تعادل در توزیع امکانات و نابرابری‌های درآمدی بین مناطق و گرایش به تمرکز در یک یا چند نقطه محدود اشاره کرد (حسین‌زاده دلیر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۱). این درحالی است که یک منطقه تنها یک نظام سکونتگاهی پراکنده و بی‌ارتباط نیست، بلکه شبکه‌ای به هم پیوسته از روابط اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۲۳۵). لذا توسعه منطقه‌ای از طریق رشد، تنوع کارکردی سکونتگاه‌ها و ایجاد ارتباط قوی در بین آنها بوقوع می‌پیوندد

در دیدگاه‌های تبیین کننده‌ی فرآیند توسعه منطقه‌ای، موضوع توازن در توسعه و آرایش متعادل فعالیت‌ها در فضا، از اهمیت خاصی برخوردار است. لزوم توجه به تمرکززدایی در بحث توسعه، بویژه در کشورهای رو به پیشرفت، از اساسی‌ترین نگرش‌هاست و در بحث تمرکززدایی یکی از پایه‌ای‌ترین مباحثی که مطرح شده، لزوم نگرش به بخش‌های میانی سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌هاست که در این میان، شهرهای میانی، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴). انگیزه اصلی مطالعه شهرهای میانی به شکل امروزی آن را در اروپای پس از جنگ باید یافت، زمانی که نیاز به رویه جدیدی برای برنامه‌ریزی آمایش سرزمین مطرح شد و هدف آن توزیع متوازن فعالیت‌ها، منابع ثروت مردم در سطح ملی و منطقه‌ای بود (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۰: ۴۷). در جهان سوم توجه به این نوع از شهرها از سال ۱۹۷۰م. در پاسخگویی به اشتباهات سیاست‌های رشد اقتصادی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بود که در آن استقرار صنایع جدید، بزرگ مقیاس، صادرات محور و سرمایه‌گذاری صنعتی را در تعدد مراکز منطقه‌ای دنبال می‌کرد (Rondinelli, 1983: 42). و تمرکز جمعیتی و فعالیتی در شهرهای بزرگ را به‌همراه داشت و سبب وزنه‌دار شدن شهرهای میانی برای برون رفت از شرایط نامطلوب شد. شهرهای میانی با پذیرش سهم قابل توجهی از عوامل تولید، سرمایه‌گذاری‌ها و نیروی انسانی و جمعیت، در فواصلی متناسب با وسعت سرزمین، همچون وزنه‌هایی به دور از حوزه کشش و جاذبه مرکز عمل کرده و قادر به تثبیت مجموعه عوامل لازم برای شکوفایی مناطق سرزمین می‌شوند. با این کار به همراه کاهش تفاوت‌های «مرکز» با «پیرامون» می‌توان به تعادلی موزون در سراسر سرزمین دست یافت (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۳).

مطالعات و شواهد حاکی از آنست از جمله مشکلاتی که وجود آن منجر به عدم تعادل منطقه‌ای شده است، پدیده نخست شهری و تمرکزگرایی می‌باشد. بر اساس دیدگاه‌های مطرح شده شهرهای میانی می‌توانند، روند تمرکزگرایی را تعدیل و با بازنگری نظام شهری، راه حلی برای مسئله نخست شهری باشند. بر اساس نظریه‌های مدافع شهرهای میانی، این شهرها می‌توانند در درون یک شبکه شهری متوازن و بر پایه سلسله مراتب، نقش‌های مورد انتظار را همانند یک کنشیار رشد و توسعه ایفا کنند. در کشور ایران، فارس از جمله مناطقی بشمار می‌آید که با پدیده نخست شهری و به تبع عدم تعادل در نظام سکونت و فعالیت مواجه است. در همین ارتباط با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده پیرامون نقش مؤثر شهرهای میانی مناسب است با ارزیابی نقش شهرهای میانی و تقویت آنها در راستای کاهش عدم تعادل‌ها در توسعه منطقه‌ای گام برداشت. بر همین مبنا در این پژوهش به بررسی نقش و عملکرد اقتصادی و جمعیتی شهر فسا بعنوان یکی از شهرهای میانی استان که از ویژگی‌هایی مانند موقعیت ارتباطی مناسب (واقع در مسیر ارتباطی شیراز بندرعباس)، ویژگی‌های خدماتی برتر (بیمارستان و کلینیک‌های تخصصی، دانشگاه دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی و نیز دانشگاه پیام نور و...) برخوردار است، پرداخته خواهد شد.

ادبیات نظری:

شهرهای میانی در درجه اول بواسطه جایگاهشان بین مراکز محلی شامل نواحی روستایی یا شهرک‌های تخصصی و مراکز مادر شهری که دارای عملکرد ملی و بین‌المللی هستند، شناخته می‌شوند (Bolay & et al, 2004: 410). فیلهو معتقد

است که نقش و اهمیت شهرهای کوچک و میانی از دهه ۱۹۷۰م. بیشتر مورد توجه قرار گرفت (زبردست، ۱۳۸۳: ۲۶) در این بین مطالعات نشان از آن دارد که برای شهرهای میانی تعریف واحدی وجود ندارد. در هر کشور و منطقه‌ای با توجه به شرایط و مقتضیات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی تعریف متفاوت است. عموماً در تعیین و تعریف شهرهای میانی بیشتر بر اندازه جمعیتی تأکید می‌شود که از دلایل آن می‌توان به محدود بودن اطلاعات در مورد ویژگی‌ها و خصوصیات دیگر این شهرها اشاره نمود. کارشناسان سازمان ملل این شهرها را بین ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر دسته‌بندی نموده‌اند. راندینلی شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بالاتر را بدون در نظر گرفتن بزرگترین شهر یک کشور، میانی می‌داند (زیاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶). در ایران در طرح-های توسعه و عمران تعاریف گوناگونی از شهرهای میانی بر مبنای معیار جمعیتی ارائه شده است. برای مثال در طرح آمایش سرزمین (ستیران ۱۳۵۶) شهرهای ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر بعنوان شهرهای میانی بشمار آمده است.

توجه به شهرهای کوچک و متوسط در پاسخگویی به نتایج نامطلوب رویکردهای بالا به پایین و اقتصاد کلان بود که بدلیل بی‌توجهی به سطوح پایین‌تر سلسله‌مراتب فضایی در راه توسعه شکست خورده بودند (Owsu, 2008: 454). بنابراین مقابله با قطب رشد و دوگانگی، کاهش مشکلات شهرهای بزرگ، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، تقویت و تحرک فعالیت‌های اقتصادی روستایی و کاهش فقر شهری سبب شد تا شهرهای میانی در توسعه ملی بعنوان موضوعی حیاتی مورد توجه قرار گیرند (قرخلو و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

در شهرهای میانی وجود دوگانگی اجتماعی به دلیل ساختار دوگانه اقتصادی اینگونه شهرهاست (باقری، ۱۳۷۵: ۱۱)، شهرهای میانی از حیث اجتماعی دارای خصوصیات مشابه و در عین حال متفاوت با شهرهای بزرگ به دلیل غلبه فعالیت‌های بازرگانی و خدماتی و شباهت‌شان به شهرهای کوچک ناشی از اشتغال بخش وسیعی از جمعیت به فعالیت‌های کشاورزی است، این اختلاط، سیمای خاصی به شهرهای میانی می‌بخشد (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۸). بنابراین اینگونه شهرها بخش از ویژگی‌های مربوط به شهرهای بزرگ و بخشی از ویژگی‌های مربوط به شهرهای کوچک و روستا شهرها را در خود دارند و از نظر اقتصادی مستعد برتری فعالیت‌های تجاری و خدماتی همراه با اشتغال در صنایع کارخانه‌ای که عمدتاً در بخش صنایع با مقیاس کوچک تمرکز یافته، هستند.

آنسو توسعه و تقویت شبکه‌ای از شهرهای متوسط را در تکمیل شبکه شهری مناسب دانسته و برای تکمیل شبکه اسکان و برقراری حلقه ارتباط مناسب در ایجاد تعادل بین زیست‌گاه‌های شهری و روستایی، وجودشان الزامی است (شکوئی و همکاران، ۱۳۷۷: ۹۴). کونزمان بیان می‌دارد شهرهای میانی بنا به موقعیت جغرافیایی‌شان، می‌توانند سه عملکرد داشته باشند: الف) عملکرد تولید شامل: تهیه کالا و ارائه خدمات برای مناطق کشاورزی اطراف؛ ب) عملکرد توسعه‌ای از طریق ایجاد، حمایت و تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی در منطقه؛ ج) عملکرد تسکینی یا تعدیلی به شکل جهت دادن و منحرف ساختن فشارهای توسعه از مادرشهرها به مناطق شهری انتخاب شده در حاشیه و اطراف مادرشهرها (کونزمان، ۱۳۶۴: ۳). راندینلی ضمن بررسی مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فضایی و سیاسی شهرهای بزرگ و هزینه‌های مقابله با آن چنین نتیجه می‌گیرد که با ظرفیت‌سازی برای رشد شهرهای میانی فشارهای جمعیتی بر شهرهای بزرگ کاهش می‌یابد و این شهرها به درجه‌ای از رشد خواهند رسید که قابل مدیریت باشد. وی اعتقاد دارد شهرهای میانی از نابرابری‌های ناحیه‌ای می‌کاهند، فقر را کاهش و به اقتصاد روستایی تحرک و پویایی می‌بخشد و نیز تمرکز اداری در شهرهای بزرگ را کاهش می‌دهند. در این صورت تمرکز سرمایه‌گذاری در شهرهای بزرگ صورت نمی‌گیرد و برای سرمایه‌گذاری‌های بخش عمومی و خصوصی در شهرهای میانی و دیگر شهرها زمینه‌های مساعد ایجاد می‌شود (زبردست، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۰).

راندینلی از پایه‌گذاران اصلی راهبرد شهرهای میانی، اساس عملکرد این شهرها را تدارک خدمات برخی صنایع وابسته به کشاورزی و صنایع کوچک و نیز خدمات حمل و نقل تعریف کرده است (پاپلی‌یزدی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۱۷). در نظام سکونتگاهی شهرهای میانی از موقعیت ویژه‌ای، جهت ایفای نقش بعنوان نقاط واسطه برخوردارند که با پذیرفتن نقش مرکزیت نسبت به پیرامون خود در سطح منطقه، علاوه بر رشد و شکوفایی خود، تثبیت پایه‌های لازم رشد در منطقه و توسعه حوزه پیرامون خود را به همراه دارند (Mathur, 1982: 28). در حوزه پیرامون شهرها، سکونتگاه‌های روستایی واقع شده‌اند که

توجه به توسعه آنها در قالب روابط و پیوندهایی که بین آنها و مراکز شهری وجود دارد از مؤلفه‌های مهم در فرآیندهای توسعه منطقه‌ای بشمار می‌آید. در همین رابطه داگلاس (۱۹۸۳) اعتقاد دارد، فواید متقابل و وابستگی‌ها و پیوندهای بین روستا و شهر نشان می‌دهد که لازم است دوره تقسیم شهر و روستا به سرآید؛ و پیرو آن چارچوبی برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای پیشنهاد می‌کند، که این پیوندها را با یکدیگر نشان می‌دهد. وی الگوی شبکه منطقه‌ای را در پاسخ به نقاط ضعف دیدگاه‌هایی که با وجود توجه به روستاها، جانبداری شهری داشته‌اند، مطرح کرده است. در پارادایم جدید توسعه فضایی که داگلاس مطرح می‌نماید، تلاش می‌شود که اول از همه بر دوگانگی بین شهر و روستا غلبه شود (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۲). از دیدگاه تاکولی پیوندهای شهری و روستایی در دو دسته قابل دسته‌بندی است: الف) روابط متقابل فضایی (جریان‌های کالا، سرمایه، اطلاعات، افراد و...)؛ ب) روابط متقابل بخشی که فعالیت‌های روستایی که در نواحی شهری به انجام می‌رسند یا فعالیت‌هایی که به عنوان شهری طبقه‌بندی می‌شوند اما در روستاها شکل می‌گیرند. بنابراین نواحی روستایی با شهرها از جمله شهرهای میانی دارای روابط متقابلی هستند (ضیاءتوانا و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶). و در سایه این ارتباط، شهرهای میانی قادرند از طریق ایجاد خدمات، امکانات و بازار برای تولیدات کشاورزی حوزه‌های روستایی، به اقتصاد روستایی تحرک و پویایی بخشند. در همین ارتباط تاکولی (۲۰۰۶) اعتقاد دارد اگر چه در فرآیند توسعه منطقه‌ای بر شهرهای کوچک و متوسط تأکید شده است اما ضروری است کارکرد این شهرها در شرایط گسترده نظام های شهری و سیاست‌های توسعه منطقه‌ای مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد (Tacoli, 2006: 50).

پیشینه تحقیق:

پیرامون نقش شهرهای میانی مطالعات و تحقیقاتی در داخل و خارج از کشور شده انجام است. گرنٹ (۱۹۹۵) در ارزیابی شهر میانی در کشور زیمبابوه به این نتیجه رسیده که: این شهر نقش دریچه اطمینانی در زمینه مهاجرپذیری در سلسله مراتب شهری دارد. هندرسون (۱۹۹۷) نقش شهرهای میانی را در نظام‌های اقتصادی با اشاره به تجربیات کشورهای برزیل، ژاپن، کره جنوبی مورد ارزیابی قرار داده و بیان می‌دارد: این شهرها تا حدود زیادی بخصوص در فعالیت‌های تولیدی دارای تخصص بوده و می‌توانند در این زمینه در توسعه منطقه‌ای مؤثر واقع شوند. قرخلو و همکاران (۱۳۸۷) در ارزیابی نقش شهر میانی شهرضا با توجه به نقش قوی این شهر در بخش‌های صنعتی و خدماتی داشته اذعان داشته‌اند شهرضا بعنوان یکی از چهار قطب توسعه استان می‌تواند به عنوان مرکز خدماتی و صنعتی برای سکونتگاه‌های جنوب استان مورد توجه قرار گیرد. در مطالعه دیگر در ارزیابی شهر میانی خوی (زیاری و همکاران، ۱۳۸۷) به نتایج مؤثر این شهر در توسعه فضایی استان آذربایجان غربی رسیده‌اند و بر این اساس پیشنهاد نموده‌اند: این شهر می‌تواند بعنوان مرکزیت خدماتی و صنعتی بخش شمالی استان ایفای نقش نماید. همچنین موحد و همکاران (۱۳۸۸) با ارزیابی نقش شهر میانی بروجرد به این نتیجه رسیده‌اند که: این شهر به عنوان دومین شهر استان لرستان با ارایه کارکردهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی در بهبود شرایط اقتصادی کل منطقه تأثیرگذار است و می‌تواند در استمرار و پویایی اقتصادی مؤثر واقع شود.

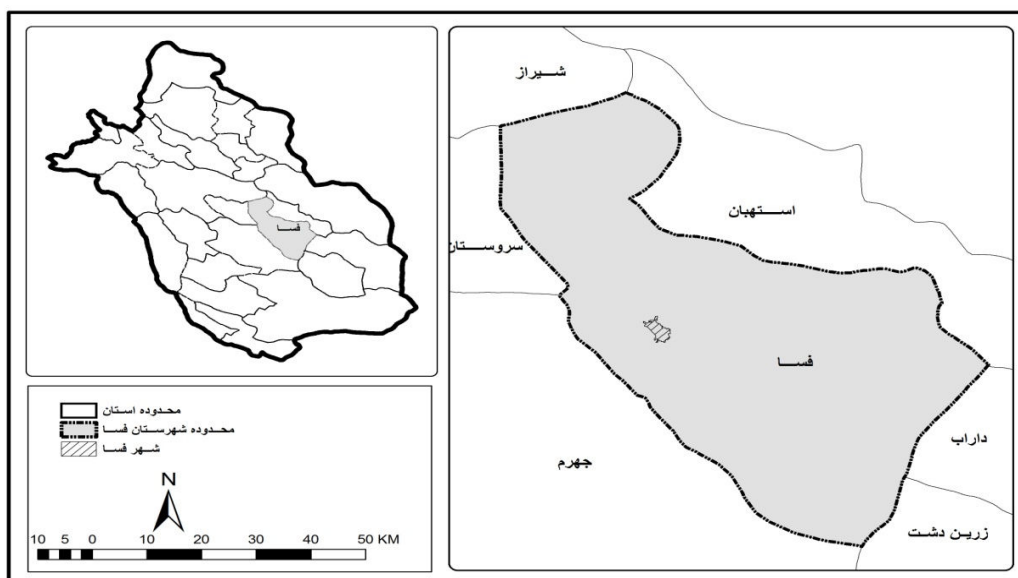
روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نوع کاربردی، روش انجام آن توصیفی تحلیلی و محدوده جغرافیایی مورد مطالعه استان فارس و شهر فسا است. برای دستیابی به هدف مورد نظر داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از روش اسنادی و میدانی استفاده شده است. روش کتابخانه‌ای شامل مرور تحقیقات و مطالعات انجام شده در ارتباط با موضوع و استفاده از آمارها و داده‌های مورد نیاز برای بررسی و تحلیل (جمعیتی و اقتصادی) و نیز روش میدانی مبتنی بر ابزار پرسشنامه است. از پرسشنامه به منظور بررسی جریان‌ات و روابط، شناخت و تعیین حوزه نفوذ شهر فسا استفاده شده است. در این ارتباط نمونه آماری تعداد ۱۳۰ مسافر در نظر گرفته شد که از شهرستان‌های اطراف به شهر فسا مراجعه داشته‌اند. قابل ذکر است پرسشنامه مربوطه که در آن مبدأ و نیز هدف از مراجعه به شهر فسا سؤال شده بود به شیوه تصادفی در مراکز و ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی تکمیل گردیده است. برای تجزیه و تحلیل و پردازش داده‌ها از تکنیک‌ها و مدل‌های منطقه‌ای شامل تکنیک‌های رتبه‌اندازه، ضریب کشش‌پذیری،

ضریب مکانی، مدل طولی عرضی ایزارد و مدل آنتروپی و برای بررسی حوزه نفوذ شهر فسا از روش تحلیل جریانه‌ها و روش سون‌گدلند استفاده شده است.

شناخت منطقه مورد مطالعه:

استان فارس از جمله استان‌های پهناور و تاریخی با مساحتی در حدود ۱۲۲۶۰۷ کیلومتر مربع در بخش جنوبی کشور واقع شده است. این استان در طرح کالبدی ملی بعنوان یکی از ۱۰ مناطق کشور بشمار می‌آید. بر اساس آخرین سرشماری انجام شده این استان جمعیتی بالغ بر ۴۵۹۶۶۵۸ نفر را در خود جای داده است. در حال حاضر شبکه شهری این استان تعداد ۹۳ نقطه شهری را در خود جای داده که پرجمعیت‌ترین و کم جمعیت‌ترین شهرها به ترتیب شهر شیراز با ۱۴۶۰۶۶۵ نفر و شهر دوزه ۸۷۷ نفر هستند. در این استان از جمله شهرهای پرجمعیت که در فاصله حدود ۱۵۰ کیلومتری شیراز و در مسیر ارتباطی شیراز- بندرعباس قرار گرفته، شهر فسا می‌باشد. این شهر با جمعیتی برابر ۱۰۴۸۰۹ نفر مرکز شهرستان فسا بشمار می‌آید. (شکل شماره ۱). در کنار موقعیت مناسب ارتباطی، وجود کارخانجات، مراکز تولیدی مختلف و قابلیت‌های کشاورزی این شهر، می‌توان به استقرار خدمات برتر آموزشی و بهداشتی و مراکز خرید اشاره نمود که با استقرار و برخورداری از این نوع امکانات توانسته نسبت به شهرها و دیگر مراکز شهرستانهای مجاور خود کارکرد مؤثر و مشهودتری داشته باشد.



شکل ۱- نقشه موقعیت سیاسی شهر فسا و منطقه مطالعاتی استان فارس

یافته‌های تحقیق:

ارزیابی عملکرد اقتصادی شهر فسا:

ارزیابی عملکرد اقتصادی شهر فسا در منطقه با استفاده از روش ضریب مکانی انجام شده است. بر اساس محاسبات انجام شده در این روش ملاحظه می‌شود که در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ این شهر تنها در بخش خدمات بهتر از استان عمل نموده (ضریب مکانی به ترتیب برابر ۱/۲۷ و ۱/۳۲) و این بخش بعنوان فعالیت پایه‌ای بشمار می‌آید. بدان معنی است که شهر فسا در بخش خدمات توانسته ضمن تأمین نیازهای ساکنان خود، در خدمت‌رسانی به سایر سکونتگاه‌های منطقه ایفای نقش نماید. همچنین بر اساس نتایج حاصله می‌باید به دو بخش صنعت و کشاورزی اشاره نمود که در مقاطع ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب روند نزولی و روند صعودی داشته‌اند و با توجه به آنکه مقدار ضریب مکانی کمتر از ۱ محاسبه شده، پس هر دو بخش بعنوان فعالیت‌های غیرپایه‌ای بشمار می‌آیند. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- ضریب مکانی شهر فسا طی سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

بخش	۱۳۷۵		۱۳۸۵	
	تعداد شاغلین	ضریب مکانی	تعداد شاغلین	ضریب مکانی
کشاورزی	۱۳۸۶	۰/۳۴	۲۴۲۱	۰/۴۴
صنعت	۴۶۴۵	۰/۹۵	۶۰۴۴	۰/۹۲
خدمات	۱۰۷۱۰	۱/۲۷	۱۴۹۵۰	۱/۳۲
جمع	۱۶۷۴۱	-	۲۳۴۱۵	-

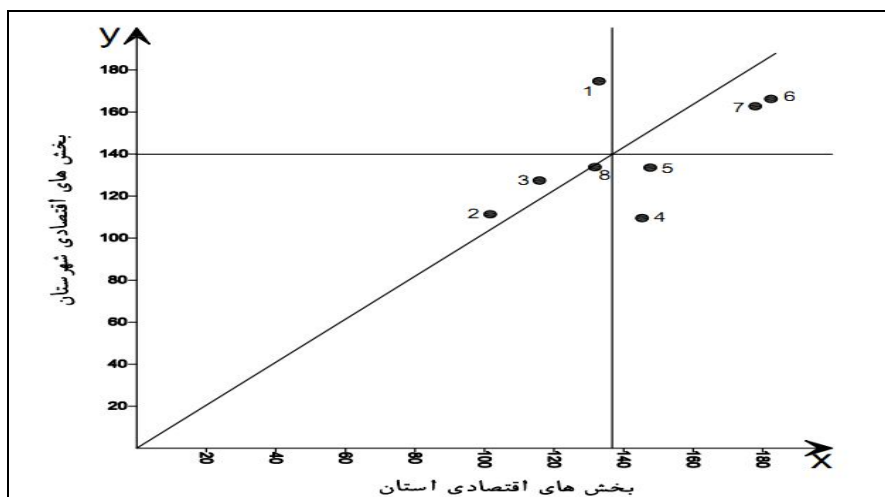
منبع: محاسبات نگارندگان بر اساس داده های مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵-۱۳۸۵.

بررسی میزان تغییرات بخش های اقتصادی در استان فارس و نیز شهر فسا که جدول شماره ۲ آمده است نشان می دهد که: در زیربخش های فعالیت استان بیشترین تغییرات مربوط به بخش های حمل و نقل، انبارداری، ارتباطات و واسطه گری های مالی بوده و در شهر فسا این تغییرات به ترتیب مربوط به بخش های کشاورزی، حمل و نقل، انبارداری، ارتباطات و واسطه گری های مالی می باشد. با استفاده از اطلاعات جدول شماره ۲ و بهره گیری از الگوی طولی عرضی ایزارد به تحلیل سهم زیربخش های اقتصادی فعالیت های عمده شهر فسا در مقایسه با استان پرداخته شده است. (شکل شماره ۲). بر اساس نمودار طولی عرضی ایزارد مشاهده می شود که بخش های حمل و نقل، ارتباطات و نیز بخش واسطه گری های مالی در سطح استان و شهر فسا بالاتر از متوسط رشد اقتصادی قرار دارند. بخش کشاورزی در سطح استان پایین تر اما در شهر فسا بسبب شرایط اقلیمی، طبیعی و وجود خاک حاصلخیز و نیز اراضی باغی شهرستان، نسبت به متوسط رشد اقتصادی از وضعیت بهتری برخوردارند. همچنین بخش های استخراج معادن، صنعت ساخت و سایر خدمات در سطح استان و شهر نسبت به متوسط رشد اقتصادی در سطح پایین تری قرار دارند و نهایتاً دو بخش تأمین برق، گاز و آب و نیز بخش ساختمان در سطح استان فراتر اما در سطح شهر پایین تر از متوسط رشد اقتصادی قرار دارند. در مجموع هر چند رشد اقتصادی شهر و استان همسو بوده و با رشد روبرو است، اما زاویه ۴۷ درجه ای نمودار بیانگر رشد اقتصادی شهر فسا نسبت به استان می باشد.

جدول ۲- درصد تغییرات بخشهای اقتصادی استان فارس و شهر فسا ۸۵-۱۳۷۵

کد	بخش	درصد تغییرات استان	درصد تغییرات شهر فسا
۱	کشاورزی	۱۳۲/۹۲	۱۷۴/۶۸
۲	استخراج معدن	۱۰۱/۶۴	۱۱۱/۳۶
۳	صنعت - ساخت	۱۱۵/۷۹	۱۲۷/۴۱
۴	تأمین برق، گاز و آب	۱۴۵/۳۱	۱۰۹/۵۵
۵	ساختمان	۱۴۷/۶۴	۱۳۳/۵۵
۶	حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات	۱۸۲/۳۸	۱۶۶/۲۵
۷	واسطه گری های مالی	۱۷۷/۸۵	۱۶۲/۷۵
۸	خدمات و سایر	۱۳۱/۷۴	۱۳۳/۷۹
	جمع	۱۳۶/۷۵	۱۳۹/۸۷

منبع: محاسبات نگارندگان بر اساس داده های مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵-۱۳۸۵.



شکل ۲- نمودار طولی عرضی ایزارد برای شهر فسا در مقایسه با استان

ارزیابی عملکرد شهر فسا در ایجاد تعادل جمعیت:

بررسی نظام سلسله مراتب شهری استان فارس و جایگاه شهر فسا در آن بیانگر آنست که در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ شهر فسا بعد از شهرهای شیراز، مرودشت، جهرم و کازرون در جایگاه پنجم و در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بعد از شهرهای شیراز، مرودشت، جهرم رتبه چهارم را بخود اختصاص داده است. در همین رابطه و بر اساس قانون رتبه اندازه ملاحظه می‌شود که طی سال‌های مورد مطالعه فاصله جمعیت واقعی شهر مورد نظر جز در دهه ۷۵ نسبت به ۶۵ که کاهش نسبی داشته در دو دوره دیگر روند صعودی داشته که بیشترین فاصله از جمعیت مطلوب مربوط به سال ۱۳۹۰ است که بیانگر رشد روزافزون پدیده نخست شهری در استان می‌باشد. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- روند تغییرات نخست شهری استان فارس طی سال‌های ۹۰-۱۳۶۵

شهر / سال	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
شهر اول (شیراز)	۸۴۸۲۸۹	۱۰۵۳۰۲۵	۱۲۲۷۳۳۱	۱۴۶۰۶۶۵
شهر فسا	۶۴۷۷۱	۸۱۷۰۶	۹۲۰۲۰	۱۰۴۸۰۹
رتبه شهر فسا	۵	۵	۴	۴
شاخص نخست شهری	۱۳/۱	۱۲/۹	۱۳/۳	۱۳/۹
جمعیت مطلوب	۱۶۹۶۵۸	۲۱۰۶۰۵	۳۰۶۸۳۳	۳۶۵۱۶۶
تفاوت جمعیت واقعی و مطلوب	۱۰۴۸۸۷	۱۲۸۸۹۹	۲۱۴۸۱۳	۲۶۰۳۵۷

منبع: محاسبات نگارندگان بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵-۱۳۹۰.

تبیین توان جذب جمعیتی شهر اول و نیز شهر فسا نسبت به استان با استفاده از ضریب کشش پذیری انجام شده است. در این ارتباط نتایج نشان می‌دهد در دوره ۷۵-۱۳۶۵ توان جذب جمعیتی شهر فسا بیشتر از شهر اول استان یعنی شهر شیراز بوده که بمرور و تا به امروز شهر اول پیشی گرفته است. بطور کلی هر چند مقدار کشش پذیری شهر فسا کمتر از ۱ محاسبه شده اما ملاحظه می‌شود که طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ کشش پذیری و توان جذب جمعیتی شهر فسا سیر روبه رشدی دارد. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- ضریب کشش پذیری شهر شیراز و فسا طی سالهای ۹۰-۱۳۶۵

کشش پذیری	نرخ رشد			سطح
	۱۳۸۵-۹۰	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۶۵-۷۵	
استان	۳/۱۶	۱/۵۲	۳/۳۹	
شیراز	۳/۴۸	۱/۵۳	۲/۱۶	
فسا	۲/۶	۱/۱۹	۲/۳۲	

منبع: محاسبات نگارندگان بر اساس داده های مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵ - ۱۳۹۰.

بررسی نقش شهر فسا در تعادل بخشی به نظام توزیع جمعیت در شبکه شهری استان فارس با استفاده از ضریب آنتروپی انجام شده است. با توجه به نتایج بدست آمده از آنجا که مقدار آنتروپی کمتر از ۱ است مشاهده می شود که شبکه شهری استان فارس در سالهای ۹۰-۱۳۷۵ با تمرکز و عدم تعادل در توزیع فضایی جمعیت مواجه بوده است، البته ملاحظه می شود که این عدم تعادل با کاهش نسبی همراه است. در همین رابطه و با در نظر نگرفتن شهر فسا در بررسی تعادل و یا تمرکز در توزیع جمعیت استان، مشاهده می شود که مقدار بدست آمده در تمامی سالهای مورد بررسی کاهش یافته و عبارتی تمرکز و به تبع عدم تعادل در نظام توزیع جمعیت در شبکه شهری بیشتر می گردد که این وضع بیانگر نقش مؤثر شهر فسا در ساختار و نظام توزیع جمعیت در شبکه شهری استان فارس است. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- ضریب آنتروپی در شبکه شهری استان فارس سالهای ۹۰-۱۳۷۵

۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	
۰/۸۲	۰/۷۹۷	۰/۷۹۳	با احتساب شهر فسا
۰/۸۰	۰/۷۸۴	۰/۶۷۱	بدون احتساب شهر فسا

منبع: محاسبات نگارندگان بر اساس داده های مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵ - ۱۳۹۰.

بررسی روابط و تعیین حوزه نفوذ شهر فسا:

به منظور بررسی حوزه نفوذ شهر فسا از روش های سون گدلدن، اطلاعات مرکز آمار و روش پرسشنامه (تحلیل جریانها) استفاده شده است. سون گدلدن جهت شناخت حوزه نفوذ شهری، روی خرده فروشی و خدماتی که روی ناحیه/ منطقه انعکاس دارند تأکید می کند. با استفاده از این روش عدد بدست آمده برای شهر فسا به عنوان یک مرکز برابر ۱۰/۲ است که نشان می دهد این شهر بخش قابل ملاحظه ای از خدمات را برای حوزه نفوذ خود در نظر گرفته است.

با استناد به آمار سال ۱۳۸۵ به استثنای روستاهای واقع در محدوده اداری شهرستان فسا، تعداد ۴۳ روستای دیگر با جمعیتی برابر ۱۸۰۳۲ نفر برای تأمین خدمات مورد نیازشان به شهر فسا مراجعه دارند که از این تعداد ۶۹/۷۷ درصد روستاهای واقع شهرستان داراب و مابقی روستاهای واقع در محدوده شهرستان استهبان را در بر می گیرد. در همین ارتباط بمنظور واکاوی دقیق تر از روش میدانی و ابزار پرسشنامه (روش تحلیل جریانها) استفاده گردید. نتایج حاصل از پردازش اطلاعات نشان می دهد که: دامنه خدمات رسانی شهر فسا فراتر از دو شهرستان مذکور بوده است. بطوری که از مجموع پاسخگویان (مسافران وارد شده به شهر) ۳۶/۹ درصد از شهرستان داراب، ۲۴/۶۲ درصد از شهرستان استهبان، ۲۳/۸۵ درصد از شهرستان جهرم، ۸/۴۶ درصد از شهرستان لار و ۶/۱۵ درصد از مرکز استان به شهر فسا مراجعه داشته اند. همچنین بررسی دلیل مراجعه پاسخگویان به این شهر بیانگر آنست که ۳۸/۵۷ درصد برای امور خدماتی، ۲۰/۴۸ درصد امور آموزشی، ۳۱/۶۷ درصد امور درمانی و ۹/۲۹ درصد برای امور تجاری به این شهر مراجعه داشته اند. نکته قابل ذکر دیگر مراجعه به شهر فسا از مرکز استان (شهر شیراز) به سبب وجود مراکز دانشگاهی دولتی و غیر دولتی در این شهر می باشد که البته استقرار این دسته از خدمات برتر سبب گردیده تا دامنه حوزه نفوذ آموزشی شهر مورد مطالعه فراتر از منطقه باشد.

نتیجه‌گیری:

توسعه و تقویت شهرهای میانی راهبردی است که با هدف تمرکز زدایی انطباق دارد و در دراز مدت توسعه منطقه‌ای را به ارمغان می‌آورد. در این بین موضوع قابل تأمل ارزیابی عملکرد شهرهای میانی به منظور توسعه و تقویت آنها در سطح منطقه است. بر این اساس در این مقاله به ارزیابی عملکرد شهر میانی فسا در تعادل اقتصاد و جمعیت منطقه فارس اقدام گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که: شهر فسا رشد اقتصادی بیشتری نسبت به منطقه دارد. بررسی این وضعیت در بین فعالیت‌های مختلف بیانگر آن بود که بخش‌های حمل و نقل، کشاورزی و واسطه‌گری‌های مالی نسبت به سطح منطقه عملکرد بهتری داشته‌اند که نظر راندینلی را مبنی بر مبنای عملکردی شهرهای میانی در تدارک خدمات حمل و نقل و کشاورزی را تأیید می‌نماید. همچنین بر اساس روش ضریب مکانی مشخص گردید این شهر در بخش خدمات نسبت به استان رشد بیشتری داشته و بعنوان فعالیت پایه‌ای مطرح بوده و توانسته در تقویت نقش کارکردی خدماتی منطقه ایفای نقش نماید. قابل ذکر است که علاوه بر نقش شهر مورد مطالعه در بخش خدمات می‌باید به پتانسیل و قابلیت شهر در بخش صنعت و نیز بخش کشاورزی اشاره نمود که می‌طلبد در سیاست‌گذاری‌ها در تحرک بخشیدن به این بخشها و ارتقاء نقش و عملکردشان در منطقه گام برداشت. در ارتباط با نقش شهر فسا در تعادل جمعیتی منطقه مشخص شد که بدون در نظر گرفتن شهر میانی فسا عدم تعادل در نظام شبکه شهری استان افزایش می‌یابد، در کنار این موضوع می‌باید به توان جمعیت‌پذیری شهر در منطقه اشاره نمود که بررسی‌ها بیانگر آن بود این توان شهر با سیر صعودی روبرو است.

بررسی حوزه نفوذ شهر مورد مطالعه بر اساس روش سون‌گلدن نیز نشان داد که این شهر بخش قابل توجهی از خدمات را برای حوزه نفوذ خود در نظر گرفته است. همچنین نتایج حاصله از مطالعات میدانی الگوی جریان‌ها و روابط شهر با سکونتگاه‌های انسانی پیرامون خود به منظور تعیین حوزه نفوذ آن، نشان از آن دارد که: شهر مورد مطالعه توانسته پرتوافشانی کارکردی - خدماتی خود را تا شهرها و روستاهای شهرستان‌های مجاور حتی مرکز استان خود بگستراند، خصوصاً اینکه با برخورداری و فراهم نمودن بازارها و مراکز خرید و فروش و البته زیرساخت‌های شهری مناسب اولویت اول بسیاری از روستاهای مجاور در تأمین نیازهایشان بوده است. در یک جمع‌بندی کلی باید اذعان داشت فسا بعنوان یک شهری میانی توانسته در تعادل جمعیت و اقتصاد منطقه، کارکرد و عملکرد نقش مؤثری ایفا نماید. لذا بر اساس نتایج و نیز عنایت به موقعیت ارتباطی شهر و نیز استقرار خدمات برتر در این شهر نسبت به شهرهای مجاور، پیشنهاد می‌گردد در توسعه و تقویت این شهر توجه اساسی صورت گیرد تا در استان فارس با جذب سرمایه، جمعیت و قبول کارکردهای منطقه‌ای بتواند به اقتصاد روستایی - منطقه‌ای تحرک بخشد، و عدم تعادل‌ها خصوصاً پدیده تمرکز گرایی و نخست شهری را در دستیابی به توسعه پایدار منطقه‌ای در استان کاهش دهد.

منابع:

۱. امکچی، حمیده (۱۳۸۳): شهرهای میانی و نقش آن در چارچوب توسعه ملی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران، چاپ اول، تهران.
۲. باقری، شمس‌السادات (۱۳۷۵): نقش شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای، رساله دکتری جغرافیای شهری، گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۳. بدری، سیدعلی و سعیدرضا اکبریان رونیزی (تابستان ۱۳۸۷): «تحلیل روابط کارکردی خدماتی سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه: بخش رونیز»، فصلنامه مدرس، شماره ۲۷، تهران، صص ۲۸-۱.
۴. پاپلی‌یزدی، محمدحسن و حسین رجبی سناجرودی (۱۳۸۶): نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران.
۵. تقوایی، مسعود، وارثی، حمیدرضا و حجت شیخی (پاییز و زمستان ۱۳۸۷): «تحلیل جایگاه و نقش شهر میانی همدان در توسعه منطقه‌ای»، مجله جغرافیا و توسعه، سال سوم، شماره ۱۱، زاهدان، صص ۶۴-۳۷.

۶. حاتمی‌نژاد، حسین، پورحسین، حمید، محمدپور، صابر و ایوب منوچهری (زمستان ۱۳۹۰): «تحلیل عملکرد فضایی شهر میانی مرند در سطح شهرستان مرند»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۷، تهران، صص ۴۳-۲۳.
۷. حسین‌زاده دلیر، کریم، اکبرپور سراسکانرود، محمد و محمدحسین حسینی (بهار ۱۳۹۱): «مدیریت شهری در شهرهای ایران»، فصلنامه فضای جغرافیایی، شماره ۳۷، اهر، صص ۱۸۱-۱۵۹.
۸. حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰): برنامه ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۹. حکمت‌نیا، حسن و میرنجف موسوی (۱۳۸۵): کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات علم‌نوین چاپ اول، یزد.
۱۰. زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳): اندازه شهر، انتشارات مسکن و شهرسازی، چاپ اول، تهران.
۱۱. زیاری، کرامت اله و جعفر تقی اقدام (بهار ۱۳۸۷): «عملکرد شهرهای میانی در توسعه فضایی استان آذربایجان غربی»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۳، تهران، صص ۲۸-۱۵.
۱۲. زیاری، کرامت اله (۱۳۸۷): اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد، چاپ اول، یزد.
۱۳. شکویی، حسین و شمس‌السادات باقری (پاییز ۱۳۷۷): «کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای: مورد نجف‌آباد و خمینی شهر»، فصلنامه مدرس، شماره ۸ و ۹، تهران، صص ۱۱۷-۸۵.
۱۴. ضیاءتوانا، محمدحسن و علی شمس‌الدینی (تابستان ۱۳۸۹): «کارکردهای شهری در توسعه روستایی، مورد نورآباد و روستاهای پیرامون»، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره ۳، گرمسار، صص ۶۱-۴۵.
۱۵. قرخلو، مهدی، حسینی امینی، حسن و سیدعباس رجایی (پاییز و زمستان ۱۳۸۷): «نقش شهرهای میانی در تعادل ناحیه‌ای مورد مطالعه: شه رمیانی شهرضا (استان اصفهان)»، دو فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۱، مشهد، صص ۱۶۶-۱۴۷.
۱۶. کلانتری، خلیل (۱۳۸۰): برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)، انتشارات خوشبین، چاپ اول، تهران.
۱۷. کوزمان، کلاس (۱۳۶۴): تشویق ایده شهرهای میانی به عنوان کلیدی موفق در تعیین خط مشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ترجمه: حمیده امکچی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، تهران.
۱۸. گلی، علی و علی عسگری (تابستان ۱۳۸۵): «کاربرد منطق فازی در تبدیل روستا به شهر نمونه موردی: استان تهران»، فصلنامه مدرس، شماره ۲، تهران، صص ۱۵۹-۱۳۹.
۱۹. محمدزاده تیتکانلو، حمیده (بهار ۱۳۸۰): «شهرهای متوسط و جهانی شدن جهان (نگاهی به بیانیه لیدیا)»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵، تهران، صص ۸۷-۸۰.
۲۰. مرکز آمار ایران (۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰): سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبادیهای شهرستان فسا، تهران.
21. Bolay J.-c. & Rabinovich A. (2004): Intermediate cities in Latina America risk and opportunities of coherent urban development. *Cities*, Vol. 21, No. 5, pp. 407-421.
22. Mathur, O.P. (1982) *Small cities and national development*. Nagoya, Japan.
23. Owusn,G(2008):T he role of small towns in regional development and poverty reduction in Ghana, *International Journal of urban and Regional Research*, Vol.32, pp.453-472.
24. Rondinelli,D.A(1983): *secondary Cities in developing countries for Diffusing Urbanization*, Sage Publication. London.
25. Tacoli, C.(1998), *Rural-Urban Interaction: A Guide to the Literature*, in *Environment and Urbanization*, Vol. 10, No. 1, PP. 147-166.
26. Tacoli, C.(2006), *Rural-Urban Linkages Research and Initiative: Lessons and Key Issues from International Experiences*, in *Fostering New development Pathways: Harnessing Rural-Urban linkages to reduce Poverty and improve Environment in the Highlands of Ethiopia*, Proceeding of a Planning Workshop on Thematic Research Area of the Global Mountain Program (GMP) held in Addis Ababa, Ethiopia, August 29-30, PP. 45-55.